دریچه

موج سوم کرونا و مهم‌ترین درس‌های امواج قبلی

ابرار کاران
پزشک و متخصص سلامت عمومی

● در بسیاری از نقاط جهان موج سوم کووید۱۹ شروع شده است ولی این‌بار از قبل آماده‌تریم؛ حتی اگر دلیل آن چیزی جز مجموعه تجارب جمعی‌مان از این ویروس نباشد.

از جمله این تجربه‌ها شیوع اَبَرناقلی کووید۱۹ به معنای شیوع‌های ناشی از ابتلای هم‌زمان چندین نفر توسط فردی واحد در اجتماعات و گردهمایی‌هایی کوچک یا بزرگ بود. مجله «بیماری‌های عفونی نوظهور» (متعلق به CDC) اخیرا گزارشی از این شیوع منتشر کرد. این گزارش از یک میهمانی می‌گوید که در آن یکی از میهمان‌ها در سالنی شلوغ و بدتهویه ۱۲ نفر را مبتلا کرد. به کمک آزمایش توالی ژنومی معلوم شد انتقال ویروس در طول همین مراسم رخ داده.

به گفته پژوهشگران ویروس بعدا به شکلی خاموش و بدون علائم در بین افرادی هم که در آن فضا حضور نداشتند گسترش یافت. این اتفاق یک بار دیگر نکته بسیار مهمی را به ما یادآوری می‌کند: بودن در فضاهای بسته، شلوغ و بدتهویه، بدون استفاده از ماسک، کار بسیار خطرناکی است. این نوع حوادث که ویروس را به شکل خوشه‌ای گسترش می‌دهند در حال تکثیر این پاندمی هستند. چند شیوع مهم هست که مطالعه آنها می‌تواند به ما کمک کند تا برای موج بعدی کووید۱۹ آمادگی بیشتری داشته باشیم:

گزارش اخیر CDC از شیوع کووید۱۹ در خلال یک مسابقه هاکی (در فضای سربسته) پرده برداشت. نه در طول مسابقه و نه در رختکن‌ها از ماسک استفاده نشده بود. علائم بیمارِ صفر فردای مسابقه بروز کرد و بازیکنانی از هر دو تیم مبتلا شدند. همین‌طور موارد مشابهی نیز از شیوع گسترده در یک مرکز پاسخ‌گویی تلفنی در کره جنوبی و یک رستوران در چین نیز ثبت شده است که هر دو در فضای بسته بودند و مشکل تهویه و جریان‌نداشتن هوا وجود داشت. درباره مسافرت نیز تحقیقات از گسترش ویروس در یک اتوبوس بررسی شده، درحالی‌که فاصله با بیمارِ صفر هم بسیار بیشتر از دو متر بوده است؛ این یعنی ویروس از طریق آئروسل‌ها [افشانه‌ها] منتقل شده. همچنین گزارش‌هایی از انتقال ویروس در فرودگاه‌ها نیز ثبت شده البته بیشتر این گزارش‌ها، به قبل از دوره ماسک‌زدن برمی‌گردد. از زمان استفاده از ماسک، تاکنون، در هیچ‌کدام از پروازهای جهان شیوع کوچک یا بزرگی ثبت نشده است. موارد دیگر نیز به شیوع ویروس در فضاهای بسته با فعالیت‌های بدنی بالا یا آوازخوانی و... مربوط است. یکی از این موارد شیوع گسترده در اردوگاه‌های تابستانی ایالت جورجیا بود که استفاده از ماسک در آن محدود بود. علاوه بر این ۵۳ نفر از ۶۳ عضو یک گروه کُر در ایالت واشنگتن نیز که در چنین فضایی تمرین می‌کردند به کرونا مبتلا شدند که سه نفر از آنها بستری شدند و دو نفر جان دادند. موارد مشابهی نیز در کره جنوبی در کلاس‌های رقص و آمادگی جسمانی و یک سالن بدن‌سازی در کانادا نیز ثبت شده که در هیچ‌کدام از ماسک استفاده نمی‌شد.

یکی از شیوع‌های شوم در یک عروسی در کشور اردن، در اوایل پاندمی رخ داد؛ در این مورد بیمارِ صفر پدر عروس بود. او در ورودی سالن جشن به بیشتر میهمان‌ها خوشامد گفته بود و نتیجتا یک عروسی اَبَرناقلی به راه انداخته بود. شبیه همین اتفاق اخیرا در یک عروسی در ایالت مین ایالات متحده رخ داد که به شیوع‌های متعاقب بعدی در سراسر این ایالت انجامید، از جمله در یک زندان و باز هم فضاهای بسته، عدم استفاده از ماسک، رقص و آوازخوانی؛ همان اتفاق، همان روند، همان دلایل و همان درس‌ها.

باید مراقب گردهمایی‌های مذهبی هم باشیم. در ایالات متحده موارد زیادی از شیوع کووید۱۹ در کلیساها ثبت شده؛ مراسماتی که در آنها آوازخواندن، معاشرت و خوراکی دسته‌جمعی منجر به افزایش گسترش ویروس شد.

در برخی از فضاهای بیمارستان‌ها مثل سالن غذاخوری و استراحت کارکنان که تهویه مناسب نداشته‌اند هم مواردی از شیوع به این شکل ثبت شده است. در کل آنچه باید گفت این است: همه آنچه تاکنون آموخته‌ایم حاوی نکات مهم و روشنی است؛ حالا خیلی بیشتر از ماه‌های اول شیوع و نحوه گسترش ویروس می‌دانیم. آشکار است که به موج سوم کووید۱۹ نزدیک می‌شویم بنابراین لازم است درس‌های گذشته را به کار ببندیم.

درس‌های شیوع‌های قبلی از این قرار است:

تماس نزدیک و طولانی در فضاهای سربسته بسیار خطرناک است، خصوصا در جاهای بدتهویه.

آوازخوانی، رقص، فعالیت‌ها و تمرین‌های شدید دسته‌جمعی منجر به تولید و انتشار قطرک‌ها و آئروسل‌های بیشتری می‌شود و در نتیجه ما هم آنها را بیشتر استنشاق می‌کنیم این یعنی گسترش هرچه‌بیشترِ بیماری. گسترش خاموش و بدون علائم بیماری پدیده‌ای است بسیار واقعی و رایج. ماسک واقعا مؤثر است. این ویروس اگرچه نقاط ضعف بسیاری دارد اما عمدتا از طریق خوشه‌های ابتلایی گسترش می‌یابد که در آنها افرادی معدود، بسیاری از مردم را مبتلا می‌کنند و بسیاری از مبتلایان ضرورتا کسی را مبتلا نمی‌کنند. پس اگر شیوع‌های بزرگ را متوقف کنیم می‌توانیم انتقال ویروس را کاهش دهیم. این، مهم‌ترین درس برای مهار کووید۱۹ است.

ترجمه و تلخیص: دامون افضلی و نیما فاتح

فوت دلخراش ۵ عضو یک خانواده سردشتی بار دیگر بحث‌ها درباره مهاجرت را زنده کرد

تراژدی ایرانی در کانال مانش

شرق: قایق که غرق می‌شود پدری ۳۵ساله زیر آب می‌رود و بر اثر خفگی جان می‌دهد، در همین حین همسر و دو فرزند بزرگ‌ترش دچار ایست قلبی می‌شوند و طفل خردسال آنان هم در تنهایی و بی‌پناهی گم می‌شود؛ این تازه‌ترین خبر از سرگذشت پناه‌جویان بی‌پناه در آبراه مانش است و این‌بار قرعه به نام خانواده سردشتی ایران‌نژاد خورده است. خبر بهت‌آور مرگ پنج عضو یک خانواده؛ رسول ایران‌نژاد ۳۵ ساله، همسرش، شیوا محمدپناهی ۳۵ساله، آنیتا ایران‌نژاد ۹ساله و آرمین ایران‌نژاد شش‌ساله و آرتین ۱۵ماهه، بار دیگر وجدان عمومی را به درد آورده و مقامات کشورهای درگیر این ماجرا کرده و همچنین رسانه‌های مهم دنیا را به واکنش واداشته است. اخبار می‌گوید که این خانواده از سردشت در ایران به امید روزگاری بهتر در انگلیس و در کنار خانواده فامیل خود تن به آوارگی دادند که پس از تحمل و طی راهی دشوار سرآخر به خاک انگلیس نرسیدند و در آب‌های کانال مانش با زندگی وداعی تلخ کردند. آنها اولین جان‌باختگان این آبراه و سیاست‌های مهاجرتی دنیای امروز نیستند و در ماه‌های گذشته بارها اخباری از مرگ انسان‌ها در همین کانال منتشر شده است. کانال مانش، بین فرانسه و بریتانیا یکی از پررفت‌وآمدترین آبراه‌های جهان است و عبور از آن با شناورهای کوچک به‌خصوص در فصل زمستان و روزهایی که دریا توفانی است، بسیار خطرناک است اما پناه‌جویان و مهاجران گاهی از سر استیصال تن به این مسیر سخت و کانال آبی می‌دهند. مرگ بهت‌آور خانواده ایران‌نژاد بار دیگر تراژدی مرگ‌های خانوادگی مهاجران و بدتر از آن، بازماندگان تک‌وتنها را زنده کرده است؛ اخباری که هر چند ماه یک بار رسانه‌های دنیا را در بر می‌گیرد، هرچند تغییری اساسی در شرایط حاکم بر دنیا و قوانین مهاجرت ایجاد نمی‌کند.

خانواده رسول ایران‌نژاد، روز سه‌شنبه، از طریق دوستی در کمپ فرانسه از مرگ رسول ایران‌نژاد و همسرش شیوا محمدپناهی به همراه سه فرزند خردسالشان در کانال مانش باخبر شدند. آنها سوار بر قایقی بادی شدند، تا رؤیای نهایی‌شان یعنی رسیدن به انگلستان، برای داشتن زندگی بهتر را عملی کنند. اما این‌بار هم رؤیای‌شان نیمه‌کاره ماند. آنها که پیش‌تر بیش از سه بار تلاش کرده بودند سوار قطار شوند و خودشان را از دانکرک به بریتانیا برسانند، این‌بار دلشان را به دریا زدند و از دریا بازنگشتند. تا لحظه نگارش این گزارش، جسد آرتین ۱۵ماهه، فرزند آخر خانواده ایران‌نژاد همچنان مفقود است.

تماس برای گفت‌وگو با برادر رسول ایران‌نژاد، به جایی نرسید. اما سلام ابراهیمی، دوست نزدیک رسول ایران‌نژاد که تلفن برادر او در دستش بود، با اعلام اینکه خانواده ایران‌نژاد از رسانه‌های داخلی به خاطر پوشش‌ندادن این فاجعه دلخور هستند، به نمایندگی برادر به سؤالات ما پاسخ داد. او با بیان اینکه خانواده ایران‌نژاد روز سه‌شنبه متوجه این حادثه شده‌اند به شرق گفت: «جنازه آرتین، فرزند ۱۵ماهه خانواده هنوز پیدا نشده. ما در حال تلاشیم که اجساد را برای خاک‌سپاری به کشور بازگردانیم. با نماینده سردشت در منزل هم صحبت کردیم و قول‌هایی داده‌اند، اما نماینده گفته، حدود ۳۰۰ میلیون برای انتقال اجساد لازم است و این هزینه برای این خانواده که تمام دارایی‌شان را برای انتقال بچه‌ها به خارج از کشور خرج کرده بودند، غیرممکن است». ابراهیمی درباره وضعیت مالی خانواده ایران‌نژاد و دلیل مهاجرتشان می‌گوید: «رسول کارگر بود. کارگر ساختمانی و هر کار دیگری که می‌توانست بکند. همان‌طور که می‌دانید این روزها زندگی سخت شده، خصوصا برای یک خانواده کارگر که یک روز کار دارند و یک روز ندارند. خانم رسول خانه‌دار بود. رسول ۳۵ سال داشت و سه ماه پیش کارهایشان را کردند و از کشور خارج شدند، می‌خواستند از کمپ فرانسه خودشان را به انگلستان برسانند، هدف نهایی‌شان پناهندگی در انگلیس بود». او در پاسخ به این پرسش که چرا فرانسه نماندند، گفت: «خب هدف نهایی‌شان انگلستان بود. شرایط پناهندگی و دادن اقامت در فرانسه سخت است. قانون فرانسه پیچیدگی‌های زیادی دارد. آنها چند سال پول جمع کردند و از فامیل و خانواده قرض کردند و یک خانه و زمینی داشتند که فروختند و از کشور خارج شدند. قرار بود کار که گرفتند پول مردم را بدهند که حالا جنازه‌شان پیدا شده». او درباره نحوه وقوع سانحه می‌گوید: «آنها چند بار تلاش کرده بودند تا از طریق قطار به انگلستان بروند، اما چون مهاجر غیرقانونی بودند، تلاش‌شان به جایی نرسید. به خاطر همین دیگر دل را به دریا زدند و خطرات را پذیرفتند. قاچاق‌برها ۲۳ نفر را سوار قایقی کردند که ۱۶ نفر ظرفیت داشت و قایق اسیر توفان می‌شود و برمی‌گردد و زندگی این خانواده و ما بر باد می‌رود. ما از طریق یکی از اقوام که در کمپ بود متوجه این حادثه شدیم». به گفته ابراهیمی، اکنون دو قاچاق‌بر که هر دو ایرانی بودند هم دستگیر شده‌اند. او با اشاره به اینکه منتظر کمک دولت است، می‌گوید: «مادر رسول قبلا سکته کرده و الان توان شنیدن این خبر را ندارد. این روزها امام جمعه سردشت و اعضای شورای شهر برای مجلس ترحیم آمدند. ما در تلاش هستیم که از فرانسه به خاطر قانون تبعیض‌آمیزش که اجازه می‌دهد مهاجران در این شرایط غیرانسانی از خاکش خارج شوند، شکایت کنیم».

بازتاب خبر فوت اعضای خانواده ایران‌نژاد در رسانه‌های انگلیسی

همچنین جمشید پرویزی، رئیس اداره کنسولی وزارت امور خارجه در غرب کشور، در گفت‌وگو با «شرق» تصریح کرد: «این داستان یک تراژدی تلخ است و باید به ابعاد مختلف آن پرداخت. انتقال اجساد هزینه‌ای بسیار بیشتر از بلیت‌گرفتن و سفرکردن دارد، چراکه نیازمند این است که اجساد میکروب‌زدایی شوند و بعد شرکت‌های کفن و دفن وارد می‌شوند و تابوت‌های مخصوص را فراهم می‌کنند، سپس شرکت‌های هواپیمایی باید اجساد را ببرند و فکر می‌کنم هزینه‌ای که به خانواده گفته‌اند دقیق است. ولی اطلاعی از قیمت اصلی ندارم، اما زمانی در مأموریتی بودم و هزینه‌ای که برای انتقال اجساد پرداخت شد، آن زمان ۵۰۰ یورو هزینه بلیت شخصی بود، اما هزینه انتقال جسد پنج هزار یورو بود».

او در پاسخ به این پرسش که کنسولگری و وزارت خارجه چه کمکی به این خانواده می‌تواند بکند گفت: «همکاران ما در خارج از کشور در مرحله شناسایی اجساد و تشخیص هویت، همراهی می‌کنند. اما از لحاظ منابع مالی کمکی نمی‌توانند بکنند، چون منابعی ندارند. آنها فقط می‌توانند مراحل اداری را انجام بدهند و کارهای اداری حمل اجساد به ایران را انجام دهند. زمانی وضعیت بهتر بود و ما بودجه‌ای به نام بودجه درراه‌ماندگان داشتیم که آن هم به افراد زنده می‌رسید که شرایط ناگواری داشتند که باز هم این درگذشتگان در این دایره قرار نمی‌گرفتند. حالا یا خانواده باید مبلغی را بپردازند یا در کمال تأسف اجساد در همان محل دفن خواهد شد».

محمدحسین مهدویان، کارگردان سینما هم، در صفحه اینستاگرامی‌اش تصاویری از آنیتا ایران‌نژاد منتشر کرد. آنیتا برای بازی در آخرین فیلم مهدویان یعنی درخت گردو تست داده بود. مهدویان در صفحه خود در این باره نوشته است: «پارسال به دنبال یافتن بازیگرانی برای نقش‌های کودک فیلم سینمایی درخت گردو جست‌وجوی محلی مفصلی انجام دادیم. بچه‌ها باید به زبان کردی سورانی حرف می‌زدند که زبان و لهجه مردم سردشت است. فقط چند شهر ایران در شمال کردستان و جنوب آذربایجان غربی به این لهجه خاص حرف می‌زنند و این کار را سخت می‌کرد. یکی از نقش‌هایی که در پی بازیگرش بودیم، نقش شهین دختر شش، هفت‌ساله فیلم بود. به دختر عکس دوم نگاه کنید؛ به چشم‌هایش. ترکیبی است از رنج و درعین‌حال زیبایی و امید. این دختر یکی از چند گزینه نهایی ما بود، در کنار چند دختر زیبا و معصوم دیگر که هرکدام به امیدی خودشان را به ما می‌رساندند تا شاید با به‌رخ‌کشیدن استعدادشان برای چند نفری که از تهران آمده‌اند آینده‌ای برای خود جست‌وجو کنند. او در نهایت انتخاب نشد و نقش به ژینا رسید؛ اما اگر تصویر دختر برایتان آشناست حق دارید.

تصویرهای بعدی ویدئوهای کوتاهی هستند از تلاش آنیتا برای به‌دست‌آوردن نقش. بله. نام این دختر آنیتاست؛ آنیتا ایران‌نژاد. اگر این نام برایتان آشناست باز هم حق دارید.

دو تصویر آخر پیوست خبری است که رسانه‌ها یکی، دو روزی است در موردش حرف می‌زنند. آنیتا و تمام اعضای خانواده‌اش در راه مهاجرتی پرخطر از ایران، در آب‌های سرزمینی غریبه غرق شده‌اند.

از روز گذشته ابراهیم و به‌ویژه امیرحسین که آخرین تست‌ها و تمرین‌ها را با آنیتا انجام داده بودند، مدام تصویر اشک‌های آنیتا را مرور می‌کنند و غصه می‌خورند و من به فامیلی این خانواده فکر می‌کنم. چه وجه تسمیه عجیبی است! خانواده ایران‌نژاد».

روایت‌های دردناک مرگ

در روایت‌های تلخ مهاجرت گاه تصویر کودکی مرده بر ساحلی در ترکیه و گاهی قصه‌ای از بازماندگان در رسانه‌های محلی خبرساز می‌شود و تا چند روز واکنش مردم عادی و مقامات کشورها را برمی‌انگیزد. در این بین البته خانواده‌هایی برای همیشه از بین می‌روند و حتی این مرگ‌های تراژیک هم پایانی بر قصه‌های تلخ مهاجرت و نحوه برخورد با مهاجران نمی‌شود. سال‌هاست که ایرانیان زیادی هم مانند ساکنان برخی کشورهای همسایه دار و ندار خود را می‌فروشند و تن به شرایط دشوار مهاجرت غیرقانونی می‌دهند. از این مهاجرت‌ها البته در برخی موارد قصه‌هایی بهت‌آور رسانه‌ای می‌شود و در مواردی حتی خبر این مرگ‌ها به رسانه‌ها هم راه پیدا نمی‌کند. ماجرای «هستی» یکی از این موارد است که خبر آن ۱۲ بهمن سال ۹۲ در بخش استانی یک خبرگزاری داخلی منتشر شد. در آن روز شعبه خوزستان خبرگزاری ایسنا در خبری با تیتر «هستی به ساحل می‌رسد؟» به روایت تلخ یکی از این مهاجرت‌ها پرداخته بود. در آن خبر آمده بود: «شش ماه پیش فاطمه دهقان‌مدیسه که پس از جدایی از همسر، سرپرستی دخترش را بر عهده گرفته بود و سال‌ها به‌عنوان منشی و تایپیست در مطبوعات آبادان کار می‌کرد، به همراه «هستی» هشت‌ساله قصد مهاجرت به استرالیا کرد. یکی از روزهای نخست مردادماه بود؛ فاطمه و دخترش سوار قایق کوچکی شدند و به دریا زدند ولی پس از حرکت از اندونزی به سوی استرالیا، قایق کوچک توسط قاچاقچیان انسان سوراخ شد و این مادر و دختر به همراه ۱۵۲ مسافر دیگر، طعمه امواج توفانی اقیانوس شدند. در این میان، فاطمه و هستی نجات می‌یابند ولی چند روز بعد از این ماجرا مادر به دلیل بیماری در بیمارستان جان می‌سپرد و هستی می‌ماند و آینده‌ای مبهم. هستی در اندونزی به خانواده‌ای ایرانی سپرده شد و یک ماه پیش با تلاش‌های مقامات ایرانی و خانواده فاطمه، پس از پنج ماه جسد فاطمه که در این مدت در سردخانه‌ای در اندونزی نگهداری می‌شد، به ایران بازگشت و در خاک آبادان آرام گرفت. یک ماه بعد، هستی نیز پنجشنبه هفته گذشته (۱۰ بهمن) به همراه یک نماینده از سازمان ملل به ایران بازگردانده شد. نماینده بهزیستی خوزستان نیز برای بازگرداندن هستی به زادگاهش یعنی آبادان در تهران حضور یافته است. پس از همه این ماجراها، هنوز آینده «هستی» گرفتار امواج است، پدر او تمایلی به تحویل‌گرفتنش ندارد و باید دید دخترک بازگشته از توفان، سرانجام به سرمنزلی آرام می‌رسد؟».

تراژدی آرمین

ماجرای دیگر روزگار تلخ آرمین است. او یکی دیگر از پناه‌جویان ایرانی بود که همراه خانواده خود قصد مهاجرت به استرالیا را داشت، اما نه‌تنها هیچ‌گاه به این کشور نرسید بلکه خانواده خود را هم برای همیشه از دست داد. سالانه هزاران پناه‌جو از ایران، افغانستان، عراق و سریلانکا سعی می‌کنند خود را از این طریق با قایق‌ها به استرالیا برسانند. سفری که قربانیان زیادی می‌گیرد و برای خیلی‌ها نیمه‌تمام می‌ماند. خانواده آرمین از همین قربانیان بودند. سال ۹۲ گزارش رسانه‌های فارسی‌زبان ماجرای این خانواده را رسانه‌ای کرد. آنها از سرنشینان قایقی با حدود صد سرنشین بودند که قرار بود از اندونزی به استرالیا برسد، اما نرسید. آن سال‌ها در خبرها آمده بود که قایقی با حدود صد سرنشین ایرانی و عرب بعد از پنج روز سرگردانی بر اقیانوس در هم شکست و یکی از بدترین تراژدی‌های دهه اخیر را رقم زد. از ۲۸ بازمانده این قایق تنها یک ایرانی زنده ماند؛ یک پسربچه ۱۱ساله به نام آرمین که در هتلی به طور موقت اسکان داده شده بود. همان موقع یکی از رسانه‌ها دراین‌باره نوشته بود: «از بیمارستان تازه مرخص شده بود. انگار هنوز در بهت و ناباوری بود، شوک حادثه‌ای که او را برای همیشه از پدر و مادر و خواهر سه‌ساله‌اش جدا کرد. قایق‌شان پنج شبانه‌روز روی آب بود و هرچه از نیروی دریایی درخواست کمک کردند، کسی به دادشان نرسید. آرمین از لحظه وقوع حادثه می‌گوید: «ما نزدیک ساحل بودیم که دریا توفانی شد. یک موج خیلی قوی با تمام قدرت ما را پرت کرد آن طرف. کشتی دو نصف شد. من گیر کرده بودم. بند لباسم گیر کرده بود. پدرم آمد بند لباس را باز کرد. سرش خورد به یک میخ. از دماغش خون آمد، رفت زیر آب. من هی دورتر می‌شدم». می‌گوید هویت پدر و مادر و خواهر کوچکش را هم خودش شناسایی کرده. از روی عکس جنازه‌ها: «مادر و پدرم را که دیدم گریه نکردم، انگار خواب بودند؛ اما جناره خواهرم را که دیدم فهمیدم زدم زیر گریه؛ از دهانش کف آمده بود و چشمانش کبود بود، تمام بدنش سیاه‌سیاه شده بود. یکسره قیافه‌شان می‌آید جلوی چشمم. توی خوابم می‌آیند. مامانم می‌گوید آرمین گریه نکن. همه‌چیز درست می‌شود. خواهرم می‌گوید آرمین گریه نکن. می‌روی ایران». آرمین و هستی و خانواده ایران‌نژاد البته تنها چند مورد از قصه‌های تلخ و بهت‌آور مهاجرانی است که به امید دنیای بهتر شهر و دیار خود را ترک می‌کنند؛ اما از این سفر تنها غمی تلخ برای دنیا باقی می‌ماند.

باید از «سکرت دیپلماسی» استفاده کنیم

ادامه از صفحه ۲

نتیجه هم این شد که همه صاحب‌نظران از جناح‌های مختلف قبول دارند که بهترین دوره اقتصادی را در دوران آقای خاتمی داشتیم که طبیعتا بیشترین بهره را معیشت مردم می‌برد. نه‌تنها در عرصه اقتصادی، در عرصه بین‌الملل هم جایگاه خوبی داشتیم و از اعتباری برخوردار شدیم که در ۴۰ سال گذشته چنین دوره‌ای نداشتیم. این حاصل آن بود که نگاه‌ها صفر و صدی نبود و مسائل حیثیتی در سیاست خارجی نداشتیم و مبنا منافع ملی و دستاوردی برای اقتصاد کشور و رفاه مردم بود و نتایجی هم داشت ولی بعدها باز هم از آن فاصله گرفتیم و به تعبیر آقای ظریف در پاسخ به سؤال خبرنگاری که می‌پرسید چرا روابط ما با دنیا این‌طور است و با همه متفاوت هستیم، آقای ظریف گفت چون ما خودمان تصمیم گرفتیم طور دیگری زندگی کنیم. البته پاسخ ایشان پاسخی دیپلماتیک بود ولی نتیجه‌اش وضعیتی است که امروز در جامعه شاهدش هستیم. اگر بپذیریم در سیاست خارجی سیاه و سفید و صفر و صدی وجود ندارد و مبنای تصمیمات باید منافع ملی کشور باشد به‌طوری‌که حاصلش در اقتصاد کشور و زندگی مردم نمودار باشد ممکن است سیاست‌هایمان خیلی متفاوت از الان باشد.

شاید برخلاف نتیجه نظرسنجی‌ها، برنده انتخابات آمریکا، دونالد ترامپ باشد. فشار حداکثری او ادامه خواهد داشت؟

البته امیدوارم ترامپ مجددا انتخاب نشود، چون فکر می‌کنم این اتفاق دوران سختی را برای ما در پی خواهد داشت. به نظر من اگر ترامپ دوباره انتخاب شود سیاست فشار حداکثری خودش را ادامه خواهد داد و در دور دوم این موضوع هم اضافه خواهد شد که ترامپ تا حدی از ایران زخم‌خورده است چون خیلی تمایل داشته که در دوره قبل از انتخابات بتواند با ایران مذاکره کند و به عنوان برگ برنده در انتخابات مطرح کند و به این وسیله تا حدی رأیش را بالا ببرد که هرچه فشار آورد موفق نشد به چنین نتیجه‌ای برسد و این هم به دلایل خصومت او با ایران اضافه می‌شود.

برنامه و نقشه ایران در مواجهه با این موضوع بهتر است چه باشد؟ همچنان مقاومت یا مذاکره؟ این دوگانه را به نفع کشور و مردم می‌دانید؟

در صورت انتخاب مجدد ترامپ به نظرم فشارهای حداکثری را شاهد خواهیم بود و باید در قبال آن ارزیابی کنیم و تصمیم بگیریم چه باید کرد. اینکه دوگانه مقاومت و مذاکره کدام‌یک را باید دنبال کنیم همان‌طور که گفتم در سیاست خارجی هیچ موضوعی برایمان حیثیتی نیست و مبنای تصمیم‌گیری منافع ملی و نتایج سیاست‌های اتخاذشده برای کشور و آثارش بر روی مردم است. به این دلیل ممکن است در مقاطعی منافع ملی بیشتر از طریق مقاومت در مقابل خواسته‌ها یا زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های خارجی تأمین شود و در مقاطع دیگری با نوعی تعامل با همان قدرت‌ها منافع تأمین شود. به این دلیل نمی‌توانیم بگوییم حتما مقاومت یا حتما مذاکره. ولی باید به این نکته توجه کرد که فشار اقتصادی الان روی مردم در حدی است که تصمیم‌گیرندگان نمی‌توانند و نباید نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. وضع فعلی قابل دوام نیست. حواله‌دادن مشکلات به خارج از کشور، مسئله‌ای نیست که برای مردم قانع‌کننده باشد و اقناعی به وجود بیاید. باید راه‌حلی پیدا کرد. من حدود دو سال قبل که این تقابل‌ها رو به افزایش گذاشته بود عرض کردم در شرایط بغرنج این‌چنینی که بین کشورها به وجود می‌آید و نه تداوم شرایط موجود عقلانی است و نه راه به‌راحتی هموار است می‌توان روش‌های دیگری را جست‌وجو کرد. یکی از روش‌ها سکرت دیپلماسی (secret diplomacy) است. مشابه کاری که در اواخر دوران ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد انجام شد و مذاکره با آمریکا در دوران اوباما شروع شد. آن زمان هم فشارها سخت بود البته به اندازه امروز نبود اما مشکلات جدی در اقتصاد کشور ایجاد کرده بود و مذاکراتی در عمان شروع شد و کسی هم اطلاع نداشت و بعد از انتخاب آقای روحانی ادامه پیدا کرد و منجر به برجام شد.

برخی معتقدند نتیجه انتخابات آمریکا می‌تواند روی فضای سیاسی داخلی هم تأثیر بگذارد. روی‌کارآمدن بایدن می‌تواند فضای تنفس اصلاح‌طلبان را برای انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری باز کند ولی روی‌کارآمدن ترامپ می‌تواند این فضا را برای اصولگرایان عرصه سیاست داخلی مطلوب‌تر پیش ببرد. به‌عنوان یک چهره اصلاح‌طلب چقدر این تحلیل را به واقعیت عرصه‌ای که در آن کار سیاسی می‌کنید نزدیک می‌بینید؟

من چنین تصوری ندارم که آمدن بایدن باعث بازشدن فضای سیاسی داخلی می‌شود. شما باید ببینید آن تفکری که باعث بسته‌شدن فضای سیاسی در داخل کشور است موضوع را چگونه می‌بیند. با روحیه‌ای که از آنها سراغ داریم احتمالا آنها دچار چنین توهم یا ادعایی خواهند شد که آنها باعث شکست ترامپ شده‌اند و با این توهم خود را بی‌نیاز از انعطاف و بازکردن فضای سیاسی می‌پندارند. علاوه بر آن با توجه به اینکه با آمدن بایدن شرایطی برای مذاکره با آمریکا فراهم می‌شود احتمالا عوامل انسداد ترجیح می‌دهند اگر قرار است مذاکره‌ای صورت گیرد بهتر است این مذاکره به وسیله نیروهای خودشان انجام شود. بنابراین تصور نمی‌کنم آمدن بایدن تأثیری بر بازشدن فضای داخلی داشته باشد.

خبر

وزارت بهداشت:

برگزاری مراسم عروسی ممنوع

● **شرق:** سخنگوی وزارت بهداشت با بیان اینکه تاکنون هیچ درمان قطعی‌ای برای بیماری کووید۱۹ تأیید نشده است، گفت: از هرگونه برگزاری مراسم عروسی جدا خودداری شود. سیماسادات لاری با اشاره به آغاز ماه ربیع‌الاول گفت: اکنون در ایام ماه ربیع‌الاول به‌سر می‌بریم و یکی از نگرانی‌ها در این ایام برگزاری جشن‌های عروسی است. لاری تأکید کرد: با توجه به خطر بسیار زیاد تجمعات در انتقال بیماری کووید۱۹ از همه زوج‌ها و خانواده آنان می‌خواهیم که از برگزاری هرگونه مراسم عروسی در این دوران همه‌گیری بیماری جدا خودداری کنند و با افزایش حساسیت درمورد این بیماری و پرهیز از بروز رفتارهای اجتماعی خطرساز به گونه‌ای عمل شود که شاهد توقف شیوع گسترده این بیماری در کشور باشیم. سخنگوی وزارت بهداشت همچنین از شناسایی هشت‌هزارو ۱۱ مورد جدید کووید۱۹ در کشور در ۲۴ ساعت منتهی به روز جمعه خبر داد و گفت: متأسفانه در این بازه زمانی ۳۶۵ نفر نیز جان خود را از دست دادند. سیماسادات لاری گفت: از روز پنجشنبه تا روز ۹ آبان ۱۳۹۹ و براساس معیارهای قطعی تشخیصی، هشت‌هزارو ۱۱ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی شدند که دوهزارو ۷۵۴ نفر از آنها بستری شدند. مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به ۶۰۴هزارو ۹۵۲ نفر رسیده است. لاری در ادامه گفت: متأسفانه در طول این ۲۴ ساعت، ۳۶۵ بیمار کووید۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۳۴هزارو ۴۷۸ نفر رسید. به گفته وی، خوشبختانه تاکنون ۴۷۷هزارو سه نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. لاری ادامه داد: پنج‌هزارو ۱۲۸ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در وضعیت شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند. وی همچنین گفت: تاکنون چهارمیلیون‌و۸۹۲هزارو ۷۰۴ آزمایش تشخیص کووید۱۹ در کشور انجام شده است. لاری ادامه داد: استان‌های تهران، اصفهان، قم، آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی، سمنان، قزوین، لرستان، اردبیل، خوزستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، بوشهر، زنجان، ایلام، خراسان رضوی، مازندران، چهارمحال و بختیاری، البرز، آذربایجان غربی، مرکزی، کرمان، خراسان شمالی، همدان، یزد و کردستان در وضعیت قرمز قرار دارند. به گفته وی، استان‌های هرمزگان، فارس، گلستان و سیستان و بلوچستان نیز در وضعیت نارنجی و زرد قرار دارند.

افزایش آلودگی هوا در شهرهای پرجمعیت و صنعتی

● مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی ضمن بیان اینکه آلودگی هوا در روزهای آینده در شهرهای صنعتی و پرجمعیت افزایش خواهد یافت، از افزایش چهار تا هفت درجه‌ای دما در برخی نقاط کشور خبر داد. صادق ضیائیان در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: در پنج روز آینده جوی آرام و پایدار برای بیشتر نقاط کشور پیش‌بینی می‌شود. ازاین‌رو انتظار می‌رود در روزهای یکشنبه و دوشنبه (۱۱ و ۱۲ آبان) بر غلظت آلاینده‌های جوی در شهرهای صنعتی و پرجمعیت افزوده شود. در سه روز آینده نیز افزایش دما بین چهار تا هفت درجه سانتی‌گراد در استان‌های ساحلی خزر، اردبیل و شمال شرق کشور رخ خواهد داد. ضیائیان در پایان درباره وضعیت جوی تهران اظهار کرد: آسمان تهران امروز ۱۰ آبان صاف با حداقل دمای ۱۵ و حداکثر دمای ۲۵ درجه سانتی‌گراد و روز یکشنبه صاف و در بعضی ساعات همراه با غبار محلی با حداقل دمای ۱۶ و حداکثر دمای ۲۶ درجه سانتی‌گراد پیش‌بینی می‌شود.

مرجع رسیدگی: اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نور خواهان افراز: ۱- خانم زهره امیرپور فرزند سعادت اله با وکالت خانم ساناز کماسی به نشانی تهران خیابان پیروزی خیابان پنجم نیروی هوایی فلکه دوم روبروی اداره ثبت اسناد و املاک شرق پلاک ۱۸۲ واحد۵ ۲-آقای اردشیر کماسی فرزند علی اکبر به نشانی فوق خواندگان افراز:۱-تهمینه چمن آرا فرزند شعبان به نشانی مجهول المک ان ۲-آقای بهرام چمن آرا فرزند صفر به نشانی مجهول المکان ۳- آقای حامد سعیدی فرزند رمضان به نشانی مجهول المکان ۴- آقای علیرضا مقدسی فرزند عسگر به نشانی مجهول المکان ۵- آقای عبداله معین فر فرزند صادق به نشانی مجهول المکان خواسته: افراز حصه مشاعی پلاک ثبتی ۴۱ فرعی از ۱۰ اصلی بخش ۱۰ ثبت نور قریه خوریه مدارک و مستندات: ورقه سند مالکیت بشماره های ۸۱۳۵۱۸-ه ۹۸ و ۸۱۳۵۱۷-ه ۹۸ ووکالت نامه بشماره ۶۸۵۹۲ مورخ ۱۳۹۵.۰۱.۱۴ تنظیمی دفتر اسناد رسمی ۱۸۱ تهران گردشکار: حسب تقاضای خواهان افراز خانم زهره امیر پور واقای اردشیر کماسی مالکین مشاع در پلاک ثبتی ۴۱ فرعی از ۱۰ اصلی بخش ناحیه ۰۰ قریه خوریه حوزه ثبت نور که به هیاتی متشکل از کارشناسان نما